



بسم الله الرحمن الرحيم

## خط و الفبای اسلام و امت اسلامی

اهل فکر و فرهنگ و سیاست اطلاع دارند که امروزه یک نزاع و تقابل اساسی و همه جانبه و فراگیر بین اسلام و مسلمین از یک طرف و استعمار و امپریالیسم غربی و حوزه صلیبی و صهیونی از طرف دیگر در جریان است. نزاع و تقابلی که بدون ادنی شکی اوج بیشتری پیدا خواهد کرد. و چه بسا نظریه جنگ تمدنها که بسیاری بدلیل انحصارطلبی فکر و فرهنگ و سیاست استعماری دول غربی و عدم تحمل کثرت گرایی (که جریان ذوب و ادغام غربی = اینتگریشن، و جهانگیری غربی = گلوبالیسم، نمونه های اعلام شده و مشهور آن هستند) آن را گریز ناپذیر میدانند، جامعه عمل پوشد. (نظریه ای که امپریالیسم خبری آن را دامن زده و به نام ساموئل هانتیگتون - نظریه پرداز حکومتگران آمریکا - شهرت داده است).

زیرا استعمار و امپریالیسم غربی به سادگی تن به خروج از بلاد اسلامی و صلح با جوامع اسلامی نخواهد داد، و راه صلح و تحمل و تعددیت و وصول بشریت زیر سلطه به آزادی و استقلال و مردمسالاری و رشد همه جانبه، در تضاد کامل با موجودیت استعمار و امپریالیسم قرار دارد. (به مقدمه قانون سما رجوع شود).

و برخورد استعمار و امپریالیسم غربی با کمونیسم و شوروی، و همچنین ماهیت اقتصاد و سیاست سرمایه داری غربی، که متکی به انحصارات و شرکتهای غول پیکر استثماری، موسسه های تکاثر سرمایه ها، و کارتلها و تراسته های غارتگر است، بیانگر همین وضع است، و همه اینها نمایانگر تاریخ و ماهیت نظام مادی و سرمایه داری و استعماری غرب هستند، که توان تحمل دیگران و توان موجودیت مستقل دیگران را ندارند و انحصارطلب و انحصارگر هستند و میخواهند همه

چیز برای آنها و در اختیار آنها باشد، و دیگران نیز نوکر، وابسته، و محتاج و ریزه خوار آنها باشند.

در رابطه با اسلام و جوامع اسلامی نیز همین رویه را در پیش گرفته اند، و بجای حل مسالمت آمیز و خروج از بلاد اسلامی و عقب نشینی از آنها، در فکر استمرار اشغال بلاد اسلامی و غارت ثروت‌های مسلمین و حمایت از نظام‌های استبدادی و دست نشانده و تحمیل شده بر جوامع اسلامی اند. و حالا هم در خیال این هستند که بالاخره بجای عقب نشینی و اعتراف به حقوق و استقلال مسلمین، اسلام و جوامع اسلامی را متلاشی سازند و فرهنگ و تمدن و عقاید اسلامی را از میان بردارند و جشن پیروزی بر اسلام و مسلمین را برپا و پایان تاریخ را اعلام نمایند!! آرزویی که احساس کردند با پیروزی بر کمونیسم بدان رسیده‌اند!!، اما این احساس دوام نیاورد! و نظریهٔ پایان تاریخ فرانسیس فوکویاما، که او هم از نظریه پردازان حکومت آمریکاست، به دلیل شعله ور شدن جنبش‌های اسلامی و تحرک و قیام آزادیخواهانه و استقلال طلبانه و اسلام خواهانهٔ جوامع اسلامی و جهت طرد استعمار و امپریالیسم غربی و روسی و... به سراب!! تبدیل شد. و هانتینگتون نیز بعنوان یکی از نظریه پردازان استعمار و امپریالیسم غربی با طرح جنگ تمدن‌ها به وضعیت جدید اعتراف و نظریهٔ پایان تاریخ را باطل ساخت.

در این راستا، استعمار و امپریالیسم غربی به هر چیزی متوسل شده و میشود، تا بلکه از گسترش و قوت گرفتن جنبش اسلامی و سرکوب جنبش آزادیخواهانه و استقلال طلبانهٔ جوامع اسلامی جلوگیری نماید: از جنایت و اشغال و جنگ گرفته تا تبلیغات استعماری و زهرآگین و افتراهای بیجا علیه اسلام و مسلمین و علیه کل جنبش اسلامی و متهم کردن مسلمین به القابی که فقط شایستهٔ این مجرمین بشرستیز و تنها بیانگر ماهیت این اشغالگران مادی میباشد و مایهٔ مسخ هرچه بیشتر اصطلاحات و ادبیات میگردد. تا جایکه دول غربی و آمریکا اکثر بودجه هایشان صرف هزینه‌های جنگی و تبلیغاتی میشود و در همهٔ بلاد غربی و استعمارگر، هزینه‌های رفاهی و اجتماعی بشدت پایین آمده است. و جنایات و عملکرد ضد بشری بی شمار، که در این مقال نمیگنجد. ( [به ارهاب چیست و](#)

ارهابی کیست مراجعه نمایید) . و امروزه وضعیت به جایی رسیده است که هیچ کشوری اسلامی وجود ندارد که استعمار و امپریالیسم صلیبی - صهیونی در آن جنگ و خونریزی بپا نکرده باشد و جیوش غربی و پایگاههای جنگی ناتوی در آن مستقر نشده باشد .

یکی از ابعاد جنگ و نزاع استعمار و امپریالیسم ، بر علیه اسلام و مسلمین ، جنگ و نزاع فرهنگی است، و صدور فرهنگ استعماری و امپریالیستی، در صدر سیاست جهانگیری غرب ( گلوبالیسم ) قرار دارد ، و این جنگ و نزاع فرهنگی، همه ابعاد فرهنگی مسلمین را هدف گرفته است. صدور لختیگری، عمومی سازی فحشای جنسی و تبدیل زنان به کالاهای هوسبازی ، نابودی پایه های خانوادگی، ترویج خوک و شراب، تحمیل تاریخ و ایام استعماری، مسلط کردن ادبیات و اصطلاحات و الفبای استعماری، تصدیر و تحمیل موسیقی غربی با آهنگ و محتوای غربی، ترویج ورزش به سبک و نامها و ادبیات غربی ، ترویج لباس و کراوات غربی ، تبلیغ و تحمیل آرایشات استعماری ، عناد با سبیل و ریش و حجاب ، حذف تاریخ و اعیاد و ایام اسلامی و.... جزو فعالیتات فرهنگی استعمار و امپریالیسم صلیبی و مادی علیه اسلام و مسلمین است ، و روز بروز ابعاد این فعالیتات، افزوده و گسترده تر میشوند ، و حالا این نزاع ، وارد مرحله هر چه حادثتر و شفاف تر شده است ، بحدی که هر کس و جریانی در یکی از طرفهای این نزاع سرنوشت ساز قرار میگیرد ، و کسی مجال بی طرفی را پیدا نمی کند . به عبارت دیگر ، اگر در گذشته اصولی مثل خدا و پیامبر و کعبه ملاک قبول و انکار و معیار قضاوت در رابطه با کفر و ایمان یک شخص و جریان بحساب میآمد ، امروزه مسئله خیلی باریکتر شده ، و ملاک کفر و ایمان ، خیلی بسادگی میتواند در نحوه لباس پوشیدن و آرایش ، در بکارگیری خط و الفبا ، نوع تاریخ ، نوع غذاء ، اصطلاحاتی که بکار میرود ، ایام تعطیلی ، و حتی جزئی تر از اینها باشد .

براین اساس ، لازم است جهت دفاع از فکر و فرهنگ و سیاست اسلام و مسلمین که پایه حیات دنیا و آخرتند ، و برای مقابله با اهداف استعماری و روشن سازی قضایا و شفاف کردن همه ابعاد و موارد فکری و فرهنگی و سیاسی، در اسلام و جوامع

اسلامی، زبان و قلم گشود، و گمراه‌سازی تبلیغاتی استعمار و امپریالیسم غربی را بی‌اثر نمود. در این مطلب، در رابطه با خط و الفبای اسلام و مسلمین، که مورد تهاجم مداوم استعمار و استبداد است، و در رابطه با ماهیت کسان و جریاناتی که خواستار حذف و نابودی این خط و الفبا و جانشینی خط و الفبای استعمار و امپریالیسم صلیبی و مادی بوده و کینه و عداوتی تاریخی با اسلام و مسلمین دارند بحث میشود، تا بدین طریق، حقیقتها روشن و شفاف گردند و ماهیت و اهداف بدخواهان اسلام و مسلمین به صحنه آید و گمراه‌سازیه‌های عمال استعماری و امپریالیستی و مروجان جهانگیری استعماری و امپریالیستی و همکاران فرهنگی استعمار و امپریالیسم، که دشمنان کینه‌توز اسلام و مسلمین هستند، بلا اثر گردد. باشد که مایه هوشیاری و بیداری هر چه بیشتر مسلمین شود.

### نکات اساسی در رابطه با الفبای اسلام و اهداف استعماری

۱- خط و الفبای اسلام و امت اسلامی، خط و الفبای قرآن و سنت النبی و تاریخ و تمدن اسلامی است، که ۱۴۰۰ سال است در همه بلاد و جوامع اسلامی مستقر و مرسوم شده و تمام متون فکری، عقیدتی، تاریخی، فرهنگی، سیاسی (حکومتی)، حقوقی، قضایی، اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی، ادبی، هنری و ..... بوسیله این خط و الفبا ثبت و نوشته شده و محفوظ مانده است. همچنین لغات و اصطلاحات و قواعد زبان (دستور زبان = صرف و نحو) در همه بلاد و جوامع اسلامی متکی به قواعد و زبان عربی یعنی زبان قرآن، سنت، تاریخ و تمدن اسلام، و امت اسلامی است. و خط و الفبای قرآن و سنت و تاریخ و تمدن اسلامی، هویت فکری و عقیدتی و فرهنگی و سیاسی مسلمین و امت اسلامی و جوامع اسلامی را تشکیل میدهد و این خط و الفبا در کلیه بلاد و جوامع اسلامی رایج و مستعمل است، و حتی زور و ممنوعیت استبدادی و استعماری در بعضی از بلاد و جوامع اسلامی نیز نتوانسته آن را منزوی گرداند. در گذشته اسلامی، همین خط و الفبا، و زبان مشترک (عربی)، به دلیل حضور بیشتر، این رابطه و فهم متقابل را عمیق تر و وسیع تر کرده بود، و همه کاتبان و دانشمندان اسلامی، از جمله همه کاتبان و دانشمندان ایرانی، به این زبان مشترک کتب خود را منتشر میکردند. و حالا استعمار و

امپریالیسم و نظام‌های استبدادی که این زبان مشترک را تا حد زیادی عقب رانده و بدین شیوه در روابط و تفاهم ملل اسلامی خلل وارد کرده‌اند، قناعت نمیکنند و در پی ریشه کن سازی عوامل رابطه و تفاهم امت اسلامی هستند و میخواهند که اصلا خط و الفبای مشترک و قرآنی و اسلامی را بکلی از صحنه بردارند، تا از این طریق، زمینه حذف و نابودی آخرین عوامل رابطه و تفاهم در جوامع و ملل اسلامی فراهم شود.

۲- عموم مردم و همه انسانها و کلیه جریانات فکری - سیاسی بدانند و میدانند که آن کسان و جریاناتی که خواستار حذف و نابودی خط و الفبای قرآن و سنت در بلاد و جوامع اسلامی بوده و میخواهند که خط و الفبای غربی و استعماری و امپریالیستی (لاتینی = کاتولیکی) را جانشین آن کنند، اولاً آنها مسلمان نیستند و خود هم بر غیر اسلامی بودن و ارتداد خود معترف هستند و سابقه طولانی نیز در اسلام ستیزی و در عداوت با اسلام و مسلمین دارند. ثانياً هدف آنها از این تغییر و جانشین سازی قطع رابطه جوامع اسلامی با همه ابعاد اسلامیت و از جمله قرآن و سنت و آماده سازی آن بلاد و جوامع برای الحاق ابدی به کفر و الحاد و ماده گرایی استعماری و امپریالیستی میباشد. هدفی که به صراحت آن را اعلام میدارند و متون آنها برای اثبات این واقعیت کفایت میکند. و در بلاد و جوامعی نیز که نظامهای استبدادی، و با طرحهای استعماری و امپریالیستی، در آنها مرتکب چنین خیانت عظمایی شده اند، هر چیزی مثل روز روشن به صحنه آمده است. ثالثاً خط و الفبای غربی (لاتینی = کاتولیکی) تنها بنابر طرحها و اهداف استعمار و امپریالیسم غربی و از موضع عناد و عداوت با اسلام و امت اسلامی، برای بلاد و جوامع اسلامی پیشنهاد و ارائه میشود، و عمال غربی هم رقص کنان و کینه توزانه برایشان اجراء میکنند. و گر نه چنین خط و الفبایی هیچگونه هماهنگی و سنخیت و تجانسی با روح، تاریخ، فرهنگ، ادبیات، و زبانهای جوامع اسلامی ندارد و فاقد لیاقت و محتوا و فاقد توانایی و انطباق با اصطلاحات و ادبیات و لغات و قواعد بلاد و جوامع اسلامی است، و در هر جایی هم که خواسته‌اند چنین کاری را تحمیل کنند ناچار شده اند حروف لاتینی را آنقدر تغییر دهند که چندان شباهتی با

خط و الفبای لاتینی در آنها باقی نمانده است . اما در نظر آنها این مهم نیست ، اصل و اساس نزد آنها ، حذف و نابودی خط و الفبای اسلام و امت اسلامی و قرآن و سنت است ، و هدف نهایی نیز ، متلاشی کردن و قطعه قطعه کردن و از هم بریدن امت اسلامی و زائل سازی اشتراکات جوامع اسلامی میباشد . هدفی که از طریق ایجاد مرزهای ارضی استعماری و تحمیلی متحقق نشده و راه اندازی و ترویج طرحهای تفرقه انداز و ساخت جریانات نژاد پرستانه و قوم گرایانه هم نتیجه مطلوبی برای استعمار و امپریالیسم مادی و ماکیاولی ببار نیاورده است!!

۳- این کسان و جریانات تنها خواستار تغییر و حذف خط و الفبای قرآن و امت اسلامی نیستند ، بلکه آنها خواستار حذف کلیه آثار اسلام و اسلامیت بوده و حتی در پی ریشه کن سازی اسلام و مسلمین هستند ، و میخواهند کلیه آثار عقیدتی ، تاریخی ، فرهنگی ، هنری ، خانوادگی ، قضایی ، و ادبی اسلامی را کلا از میان بردارند . و حتی آنها عملاً تاریخ میلادی غربی ، ایام تعطیلی غربی ، اسماء و نامها و اصطلاحات غربی ، لباس و آرایش غربی و .... را در محدوده های سازمانی و حزبی و انتشاراتی و در شبکه های اینترنتی و .... اجراء کرده و تاریخ و تقویم و اعیاد و اسماء و اصطلاحات و لباس و آرایشی که منتسب به اسلام و مسلمین بوده و در بلاد و جوامع اسلامی رسم و عرف میباشند ، حذف و نابود کرده اند . بدیهی است که این کسان و جریانات عمال و مزدوران استعمار و امپریالیسم و دشمنان کینه توز اسلام و مسلمین هستند ، و تنها از موضع عداوت با اسلام و مسلمین و احیاناً از روی خود باختگی و واقع شدن در محیطهای اسلام ستیزانه مبادرت به چنین کارهایی میکنند .

۴- این عمال استعماری و امپریالیستی ، در حالی حذف و نابودی خط و الفبای اسلام و امت اسلامی را دامن می زنند و برای جانشین سازی خط و الفبای غربی پیشنهاد میدهند و قلمفرسایی میکنند که : کشورها و جوامع اسلامی ، از جمله ایران استبداد زده ، زیر سلطه استعمار و امپریالیسم بوده و نظامهای استبدادی و دست نشانده در آنها مستقر شده و برای کسی نه و طنی باقی مانده و نه جامعه ای وجود دارد . و ملل اسلامی یا سرکوب و خاموش و منزوی شده ، یا آواره و دربدر

گشته ، و یادر گوشه های زندانها و سیاهچالهای استبدادی و استعماری محبوس و اسیر هستند . در چنین اوضاعی نه نظام و حکومت مستقلى متصور است و نه اقتصاد و حیاتی شرافتمندانه ممکن میباشد . نه قانونی، نه راه رشدی، نه امنیتی، و نه حیات قابل اعتمادی وجود دارد . و کلیه این کشورها و جوامع ، قبل از هر چیز باید از مرحله استبداد و مستعمرگی بگذرند، و آنگاه به وطن و جامعه و حکومتی دست پیدا کنند . و در فضای خودش ، بنابر صلاح ملک و ملت ، و در سایه رای و خواست توده ها ، هر کس و جریانی ، بنابر توان و لیاقت خود ، میتواند طرح و برنامه داشته باشد و راه رشد و ترقی را باز و تسهیل نماید . بله این عمال استعماری و امپریالیستی در چنین اوضاعی از استبداد و استعمار گذشته!! و پرچم حذف و نابودی خط و الفبای اسلام و امت اسلامی را علم کرده و خواستار جانشینی خط و الفبای استعمار و امپریالیسم غربی میباشند!! ، چنین خواستی تنها در سایه طرحها و سلاحهای استعمار و امپریالیسم و سلطه نظامهای استبدادی جامعه عمل خواهد پوشید ، و تا حال نیز اگر بر کشور و جامعه ای چنین خواست شومی تحمیل شده ، در سایه سلاح و زور و خون جانشین گشته و در عناد و خصومت با اسلام و مسلمین بوده است . اما سلاح و زور استعمار و استبداد ، با توجه به رشد روز افزون جوامع اسلامی در حال بی اثر شدن و خنثی شدن است ، و در نتیجه این خواست و آرزوی استعماری و استبدادی ، عقیم و در گورستان استبداد و استعمار دفن خواهد شد .

۵ - همانطور که واضح و بدیهی است و همگان آنرا میدانند ، در سایه استبداد و نظام استبدادی ، هر چیزی در فقر و درماندگی و زیر سلطگی و سرکوب شدگی گیر کرده و هر موضوعی را کد و منجمد و جامانده است ، و به تبع این وضع ، همه چیز در فقر و نقص بسر می برد و اسیر وضع استبدادی شده است . و خط و الفبا و ادبیات و اصطلاحات و کتب و فرهنگهای مربوطه ، یکی از نمونه های اموری است که زیر سلطه استبداد و نظام استبدادی دچار نقص و کمبود شده و جوابگوی نیازهای متکامل نمی باشد و از رشد مناسب برخوردار نشده است . اما چیزی که خیلی اساسی بوده و لازم است روی آن تاکید شود اینست که باید مشخص کرد

که مثلاً نقص و فقر الفبا و ادبیات در جوامع اسلامی چیست؟ آیا نقص و فقر الفبا و ادبیات مسلمین و جوامع اسلامی، قرآنی بودن و اسلامی بودن و رایج بودنش در میان امت اسلامی است یا اینکه فقر و کمبود اساسی آن عدم گسترش آن و اختلاط با خط و ادبیات غربی و هجوم الفبا و ادبیات و اصطلاحات غربی و استعماری و رواج آنها و شیوع آنها در خط و ادبیات و اصطلاحات اسلام و امت اسلامی است؟! بدیهی است که از نظر همه مسلمین، نقص و کمبود و عیب، در ورود الفبا و اصطلاحات و ادبیات غربی و استعماری به بلاد و جوامع اسلامی و اختلال با خط و اصطلاحات و ادبیات اسلام و مسلمین است، که در فرصت و زمان خود باید به این مصیبت و بلا رسیدگی شود و باید کلیه آثار مخرب و مختل کننده غربی و استعماری از بلاد و جوامع اسلامی و از خط و زبان و اصطلاحات و ادبیات مسلمین پاکسازی و دور ریخته شود. اما از نظر عمال استعمار و اسلام ستیزان بیگانه پرست، باید عکس این عمل شود، و برای نابودی اسلام و مسلمین باید به سلاح و مال و تشکیلات استعمار و امپریالیسم متوسل شد و اثری از فرهنگ اسلامی و امت اسلامی و جریانات اسلامی و تاریخ اسلامی و کلا از دین اسلام باقی نگذاشت و آن را از طریق برقراری نظام استبدادی برای همیشه سرکوب و منزوی کرد. و جداسازی اسلام و مسلمین از سیاست و حکومت نیز ناشی از همین عداوت استعماری و استبدادی است.

۶- خط و الفبای غربی و استعماری، که میخواهند آن را جانشین خط و الفبای اسلام و امت اسلامی کنند، و از طریق آن جوامع اسلامی را از مکتب و دین و تاریخ خود ببرند، علیرغم امکانات وسیع مادی و فرصت چند قرنه و نظامها و حکومت استقراریافته، و حتی تسلط بر جهانیان، که همه اینها برای خدمت به خط و الفبای غربی و استعماری بسیج شده و میخواهند زبان و ادبیات و الفبای خود را بر جهانیان و از جمله بر جهان اسلام تحمیل کنند، ولی باز غرق در مشکلات و نابسامانی و نواقص است، و برای خود غربیان هم، از جمله اروپائیان و امریکائیان، مشاكل بسیاری ایجاد کرده است، بحدی که خود غربیان نیز بدین مسائل اعتراف میکنند، و خود میگویند که در متون لاتینی «آنچه نوشته میشود، خوانده



نمیشود!!»، و بین نوشته های خط و الفبای لاتینی و نحوه خواندن آن ، فاصله اساسی و عمیقی وجود دارد . در نتیجه خود غربیان مجبورند بسیاری از لغات و اصطلاحات و نامها را حفظ کنند ، و با زور تمرین و عادت ، آنها را یاد بگیرند . در بلاد و جوامع دیگر نیز از جمله در بلاد و جوامع اسلامی که لغات و الفبای غربی را تحمیل کرده اند ، این مسئله عمیق تر میباشد ، و برای کم کردن این مشکلات ، کتابهای کمکی بسیاری انتشار داده اند ، که فرهنگهای « تلفظ لغات و اصطلاحات غربی » نمونه آنها و یکی از مظاهر فقر و درماندگی خط و الفبای لاتینی و غربی است . و هر کسی نیز در رابطه با چگونگی تلفظ کلمات انگلیسی و یا املاي انگلیسی مدارس خاطره های تلخ و شیرین زیادی! دارد .

تازه این مشاکل تنها مربوط به زمانی است که الفبای لاتینی- غربی ، در زبانهای غربی استعمال میشود ، ولی همانطور که قبلا ذکرش رفت ، وقتی که این الفبا وارد چهارچوبه های لغات جوامع اسلامی میشود ، یک آشفتگی خنده آوری در آن ایجاد میشود که تنها خودباختگان استعماری ، ممکن است خنده شان نگیرد!! ، و در آنجا اصلا باید «بعضی از حروف را کلا ایجاد نمود!!» ، و حروف : « آ، ث، ح، خ، ذ، ش، ص، ض، ط، ظ، غ، ق، و علامت تشدید » بالکل در الفبای غربی وجود ندارد . در نتیجه : « یا ناچاراً دو حرف را کنار هم قرار میدهند و یا مجبوراً وبصورت قراردادی ، حروفی را که در زبانهای غربی صدای کاملاً متفاوتی میدهند ، در زبانهای دیگر و در زبانهای جوامع اسلامی ، برای حروف و صداها ی دیگر!! استخدام کنند » . علاوه بر این « باید همه حروف صدا دار غربی را بوسیله علائم الفبای اسلامی ! نشانه گذاری کرد!! ، تا معلوم شود که فلان حرف چه صدایی!! می دهد » .

بدیهی است وقتی که اهداف و مقاصد استعماری و امپریالی پشت سر چنین کارهایی نباشد ، کسی به فکر چنین مسخره بازیهایی نخواهد افتاد . اینست که با مال و برنامه و حمایت و امتیازات استعماری و امپریالیستی ، جریان ترویج و تحمیل فرهنگ و ادبیات و الفبای غربی ، در کلیه کشورهای که تحت سلطه غرب قرار دارند ، با وضوح و گستردگی تمام راه اندازی شده است ، و جهانگیری غربی در این بعد هم فعال میباشد . در گذشته و در دوره شوروی ، در محدوده های استعمار روسی ،

فرهنگ و ادبیات و الفبای روسی ترویج و تحمیل میشد، و حالا هم در همه جوامع و بلاد آسیای میانه و قفقاز و اروپای شرقی، فرهنگ و ادبیات و الفبای روسی رایج و مستعمل است. اما امروزه حتی کمونیستها نیز!! بهایی به فرهنگ و ادبیات و الفبای روسی نمیدهند.

در رابطه با مشاغل خط و الفبای لاتین (کاتولیک) هم در زبانهای غربی و هم در زبانهای اسلامی میتوان بسیار سخن گفت، که بهتر است چنین بحثهایی درمباحث مختص به ادبیات ارائه شوند. اما آنچه باید در اینجا روی آن تاکید کرد اینست که: اصل و اساس در ذهن و روح خودباختگان، در میدان لیاقت و بی لیاقتی، حق و باطل، کهنه و تازه، انسانی و غیرانسانی، و دیگر ملاکهای رد و تایید، مستقیماً مربوط میشود به حاکم و محکوم بودن و آقا بودن و نوکر بودن و مسلط بودن و زیر سلطه بودن!!، و همانگونه که در میدان فرهنگ و ادبیات این اصل ظاهر و واضح است، همانطور هم این اصل در میدانهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی و اصطلاحات مربوطه و محل تطبیق این اصطلاحات ساری و جاری است. و امروزه این قدرتهای استعماری و امپریالیستی غرب هستند که ذهن و روح و عمل این خودباختگان از دین برگشته را شکل و جهت میبخشند. جهانگیری خوب است یا بد؟! ارهاب وجود دارد یا نه و مصادیق آن چیست و چه کسانی هستند؟! فساد و فحشاء و شرابخواری و لختیگری خوب است یا بد؟! قاتلان و غاصبان مدنی اند یا نه؟! شدت و خشونت خوب است یا بد؟! همه اینها و غیر اینها در ذهن و مغز عمال خودباخته استعماری، نیازمند مراجعه به غرب و امپریالیسم خبری است، زیرا مرجع آنها و قبله آنها و هدف نهایی آنها غرب و فرهنگ غربی و تاریخ غربی و تعطیلات غربی و الفبای غربی و لباس غربی و آرایش غربی و رفاقت غربی است. بنابر این مشکله با جوابگویی و شرح و تفصیل مسائل حل نمیشود، بلکه باید متوجه ماهیت ذوب شده این غرب زدگان و خالی شدن و تهی شدنشان شد. از نظر آنها، ملاک خوب و بد، صحیح و ناصحیح، جدید و کهنه، انسانی و غیر انسانی و ... غربی و غیر غربی بودن است: اگر غربی باشد، خوب و جدید و مترقی است، ولو این کار لختیگری باشد که رسم انسانهای وحشی و اولیه است،

یا لواطی و همجنس بازی باشد که کار قوم لوط است که هزاران سال پیش می زیسته‌اند ، یا شرابخواری و فحشاء باشد که از قدیم‌الایام رایج بوده است . ولی اگر چیزی غیر غربی باشد ، بد و عقب مانده و دور انداختنی است ، ولو اگر خیر و انسانخواهی باشد ، ولو اگر عدالت و تقوی باشد ، ولو اگر تعاون و همکاری با فقرا و درماندگان باشد ، ولو اگر سلامت و صداقت باشد .

اگر از آنها پرسشی فروش تریاک و هروئین خوب است یا بد؟! میگویند بد است و برایش هم دلیلها می‌آورند!! و اینهم ناشی از اینست که در ظاهر فروشنده آن غرب نیست و امپریالیسم خبری علیه آن تبلیغ میکند!! ، ولی اگر از آنها پرسشی که خرید و فروش سلاح چگونه است؟! در جواب آن شرط و شروط و موقعیت و منافع اقتصادی و .... ذکر میکنند!! ، اگر از آنها پرسشی که گوشت خوک چگونه است؟! آنها بی درنگ جواب میدهند که بهترین گوشت است!! ، و دلیل قضاوتشان هم معلوم است . اگر از آنها پرسشی گوشت سگ و خر و امثال آن چی؟ در این باره جواب منفی میدهند ، و منتظر فتوای امپریالیسم خبری هستند!! ، اگر از آنها پرسشی که نام مجلس قانونگذاری مسجد باشد چگونه است؟ آنها کینه توزانه جواب منفی میدهند و آن را خلاف ترقی و تمدن میدانند!! ، اما اگر از آنها پرسشی که همین مجلس قانونگذاری نامش کنیسه باشد (کنست) چگونه است؟ جوابشان اینست که این نشانه آزادی و مظهر دموکراسی است!! ، و البته آزادی و دموکراسی مورد تایید آنها دارای شکل و محتوای غربی است، ولی اگر آزادی و دموکراسی (مردمسالاری) شکل و محتوای غربی نداشته باشد و مثلاً متکی به جوامع و ارزشهای اسلامی باشد، آنوقت آزادی و دموکراسی حاصل نمیشود!! ، و آنچه حاصل اسلام و مسلمین باشد به انواع القاب استعماری و استبدادی منتسب میگردد!! ، در رابطه با قضیه قوانین نیز وضع همینطور است ، و اصل قضاوت غرب است . علاوه بر اینها ؛ قومیت ، دینداری، استقلال، دخالت خارجی، ماهیت مرز و دولت ، زن و حقوقش و صدها و هزاران مثال دیگر تنها با توجه بارد و قبول غربی برایشان مطرح و قابل قبول است . و حالا در همین مسئله الفبا ، الفبای بیگانه یعنی الفبای عربی!! ، و الفبای غربی (لاتینی) که هرگز در تاریخ ایران و کشورهای اسلامی

مطرح نبوده ابدای بیگانه و خارجی تلقی نمیشود!!، واقعا خود باختگی و کینه توزی مرضهای عجیبی اند.

در این رابطه مثالهای بسیار مسخره ای وجود دارد که حتی ارائه شان نیز خوب نیست. و این وضع که دامنگیر اشخاص و جریاناتی از جوامع زیر سلطه استبداد و استعمار شده و مظهر کمبودهای روانی و خود کم بینی و تسلیم شدگی است، بیانگر ماهیت تاسف آور غر بزده ها و عمال ذوب شده استعمار و امپریالیسم است. و امروزه برای این اشخاص و جریانات، اسلام ستیزی و عرب ستیزی که در مقابله با سلطه استعماری غرب خطرناکترین ها هستند، کار و غم اصلی شده است. در این رابطه جلال آل احمد، چند دهه پیش و در دوره استبداد پهلوی، جواب گویایی به این خود باختگان داده است، و برایش کتابی زیر عنوان « غرب زدگی » به رشته تحریر در آورده است. برای شناخت بیشتر این خود باختگان و شیفتگان استعمار و امپریالیسم و مهره های مادیت غربی، به این کتاب نفیس و موثر و مشهور مراجعه نمایید.

و بالاخره و به عنوان نتیجه گیری، میتوان هدف اساسی و نهایی مقابله با خط و الفبای اسلام و امت اسلامی را که همان خط و الفبای قرآن و سنت النبی و تاریخ و تمدن اسلامی و الفبای مشترک امت اسلام است، بدین صورت خلاصه کرد:

۱ - قطع رابطه با دو اصل اساسی:

الف - قطع رابطه با اسلام و فرهنگ و تمدن اسلامی و بریدن ارتباط نسلهای آینده با منابع و مراجع و کتب اسلامی، که کلا با خط و الفبای عربی نوشته شده اند، یکی از اهداف اساسی استعمار و امپریالیسم و نظامهای استبدادی دست نشانده و کسان و جریانات استعماری و استبدادی و غر بزده گان ذوب شده و اسلام ستیزان و بدخواهان امت اسلامی است.

ب - قطع رابطه بین مسلمین و جوامع اسلامی و امت اسلامی و متلاشی سازی هرچه بیشتر آنها، و از هم بریدن و منزوی ساختن هر یک از جوامع اسلامی در حدود استعماری، و قطع رابطه مابین جوامع اسلامی و محصور شده در مرزهای ارضی استعماری. رابطه ای که بوسیله اشتراکات و از طریق فهم متقابل برقرار

گشته ، و علیرغم موانع استبدادی و استعماری ، این حس وحدت و اخوت اسلامی و روح قرار داشتن در امت واحده ( امت محمدی ) ادامه یافته است ، و خصوصا ، خط و الفبای مشترک و زبان عربی که به زبان قرآن و سنت نبی و تاریخ و تمدن اسلامی و زبان امت اسلامی مبدل شده ، نقش اساسی در تفاهم و برقراری رابطه بین امت اسلامی ایفاء کرده و میکند .

## ۲ - جانشین سازی دو اصل اساسی :

الف - تحمیل و جانشین سازی خط و الفبای استعماری و امپریالیستی غرب ( لاتینی = کاتولیکی ) به قصد پیوند و الحاق جامعه مورد نظر به فرهنگ و تمدن غربی و رواج هر چه بیشتر ادبیات و زبانهای غربی و آماده سازی آن اجتماع جهت غربی شدن نهایی . و این مقابله بخشی از عداوت فرهنگی استعمار و امپریالیسم با اسلام و مسلمین است .

ب - به دنبال طی کردن مرحله اول و به تناسب میزان موفقیت در آن ، دخول جامعه مورد نظر به دایره جوامع غربی ( هر جامعه ای که میخواهند خط و الفبای غربی را در آن مستقر نمایند ) و جداسازی و بیرون آوردنش از مجموعه امت اسلامی ، از طریق جریان مسیحی سازی اجتماع ، آغاز میشود ، و آن کشور و اجتماع به جرگه جوامع مسیحی ( صلیبی ) می پیوندد ، و در عین حال ، امت اسلامی یک کشور و جامعه را از دست داده است .

در این رابطه ، استعمار و امپریالیسم و دشمنان تاریخی اسلام و مسلمین ، در این چند قرن اخیر ، تلاشهای زیادی بعمل آورده اند ، و متأسفانه در بعضی از بلاد و جوامع اسلامی موفقیتهای اساسی کسب کرده اند ، گرچه این موفقیتهای استعماری بیشتر در قرون گذشته واقع شده اند . و خروج اندلس ( اسپانیا و پرتغال کنونی ) و هندوستان ، و بعضی از مناطق دیگر ، از کالبد و جرگه جوامع و بلاد اسلامی و الحاق آنها به دایره صلیبیت غربی ، نمونه این موفقیتها میباشد .

همچنین در فلسطین ، قزاقستان ( در شوروی سابق ) ، قبرص ، ترکستان شرقی ( واقع در چین ) ، کشورهای بالکان ، و برخی از کشورهای آفریقایی و ... توانسته اند اوضاع را مختل کنند و بخشی از جامعه را غیر اسلامی نمایند و یا مهاجرین

اسلام ستیز را در آنجاها مستقر سازند. در ترکیه نیز تلاشهای زیادی بعمل آمد تا این منطقه اساسی از اسلام برگشت نماید، و این تلاشها هنوز ادامه دارند، اما عمق اسلامیت مردم ترکیه، هر برنامه‌ای را خنثی نموده است، و بعد از اینهم که دوران بیداری مسلمین و جوامع اسلامی فرا رسیده است، هیچ کار اساسی علیه اسلام و مسلمین نمیتوان انجام داد. در ایران هم کار صفویه برای طرد و کنار زدن اسلام و با همکاری و اتحاد با غرب صلیبی صورت گرفت، ولی زمان برنامه‌های آنان را و جنایات بی‌شمار و فاجعه بارشان را که به قصد تحقق اهداف شومشان صورت گرفت و منجر به قتل عام مردم مسلمان گردید، خنثی کرد، و امروزه حتی شیعیان صفوی و لاعنی، با اصول اسلامی و جوامع اسلامی مشکل اساسی و حل ناشدنی ندارند.

در ختام، موقعیت خط و الفبای قرآن (عربی) در قانون سماء، تقدیم خوانندگان میشود، و پایان این تحلیل به اصل ۱۲ و اصل ۱۳ (فصل افکار و عقاید اجتماعی) مزین میشود، باشد که مورد رضای الله و امت اسلام و یاران توحید قرار گیرد.

اصل دوازدهم:

زبان رسمی در هر یک از مناطق خودمختار داخلی، زبان مردم آن منطقه است، و هر یک از این زبانها باید زبان تعلیم و تربیت و اداره منطقه خویش باشند. همچنین زبان فارسی که حالا زبان مشترک مردمان ایران است لازم است در هر یک از مناطق خودمختار داخلی در کنار زبان رسمی، زبان تعلیم و تربیت و زبان اداری (دولتی) باشد. علاوه بر این، زبان عربی که زبان دین اسلام و تاریخ و تمدن اسلام و بین الملل اسلامی است، زبان مشترک مسلمین و جوامع اسلامی میباشد، و بدین جهت، برای ترویج و استقرار آن باید کوششهای لازم و پیگیر بعمل آید.

اصل سیزدهم :

خط و الفبای قرآن ، تاریخ هجری قمری ، و ماههای اسلامی ( قمری ) ، به مثابه بخشی از فرهنگ و سنن اسلامی و ارزشهای مشترک و مقبول و معروف در بین الملل اسلامی ، باید در ایران و در همه کشورهای اسلامی محفوظ ، رسمی ، و ترویج گردند ، تا از طرفی نقش خود را در گسترش روابط فرهنگی و اجتماعی مسلمین و احیای اتحاد و یکپارچگی آنها ایفا کنند ، و از طرف دیگر در راستای حفظ و گسترش فرهنگ اسلامی و رسیدن به استقلال واقعی از استعمار و امپریالیسم اثرات خود را بر جای گذارند .

پیش بسوی بازسازی و بازگرداندن عوامل مشترک اسلامی  
زنده باد رابطه و تفاهم در جهان اسلام و در میان ملل اسلامی  
محکم تر و شعله ورتر باد پایه های امت اسلامی و اخوت اسلامی

سازمان موحدین آزادیخواه ایران

۲۵ ربیع الثانی ۱۴۲۳ - ۱۵ تیر ۱۳۸۱

ایمیل سماء : [samaa@samaa.org](mailto:samaa@samaa.org)

شبکه اینترنتی سماء : [www.samaa.org](http://www.samaa.org)